گفت‌وگو با حسین هرناشکی، سازنده ادوات کشاورزی:

دغدغه یک صنعتگر

بهار زندرضوی - حسین هرناشکی مخترع و صنعتگر با هشت سال سابقه مسئولیت در اتحادیه ماشین سازی و فلز تراشی شهرستان رفسنجان دستگاه همزن هیدرولیکی برای یکنواخت نمودن سموم و مواد شیمیایی با آب را ثبت اختراع کرده‌است. به بهانه این دستگاه با وی به گفت‌وگو نشستیم تا با بخشی از دغدغه‌های صنعتگران و انگیزه‌هایشان آشنا شویم.

اولین جرقه ورود به این حرفه و ساخت این نوع دستگاه را از کجا در زندگی خود می دانید؟

کار حرفه ای ام را در زمینه هیدرولیک ۲۰ سال است شروع کرده‌ام. سال ٥٤، دانش آموز سال چهارم ابتدایی بودم و در یک کارگاه مکانیکی ماشین و موتورسیکلتی شاگردی می‌کردم. آن زمان اسباب بازی‌های متحرکی با کنترل از راه دور وجود نداشت. شبکه های اجتماعی هم نبود که یاد دهد که چه طور ساخته می‌شوند. آن زمان من برای خودم با یک آرمیچر و یک اسباب بازی یک ماشین ساختم که با جا به جا کردن فاز مثبت و منفی ماشین جلو عقب می شد. این خاطره را خیلی دوست دارم چون همان دوران به خاطر ساخت این اسباب بازی از مدرسه و وزارت فرهنگ خیلی تشویق شدم و لوح تقدیر گرفتم. شاید همین باعث شد با شور و شوق مسیر این نوع فعالیت‌ها را ادامه دهم.

خانواده در این مسیر با شما چگونه برخورد کردند؟

خانواده ما اطلاعات فنی خاصی نداشت که بگویم مرا به لحاظ علمی در مسیر حمایت کردند. پدر من یک اخلاق خوبی داشت که همیشه به ما بها می داد. مثلا اگر از او می خواستیم که پولی در اختیار ما بگذارد چون می خواهیم چیزی بسازیم. هیچ وقت جلوی ما را نمی گرفت که مثلا بگوید شما نمی‌توانید کاری را انجام دهید یا شما حتماً می توانید کاری را انجام دهید. پدرم همیشه مشوق خوبی برای ما بود.

شهرستان ما شهرستانی تک محصولی است که ارتباط تنگاتنگی با کشاورزی دارد در نتیجه در تولید ادوات کشاورزی منطقه پیشرفته ای محسوب می شویم و حتی به کشوری که به نسبت ما پیشرفته است یعنی ترکیه، صادرات ماشین آلات فراوری داریم. دستگاه هایی که در منطقه تولید شده کلش نوآوری بوده است و از کپی کاری شروع نکرده‌ایم. ما به خاطر نیازی که در منطقه وجود داشت به تولید ماشین آلات کشاورزی روی آورده ایم و این خلاقیت خود جوش براساس نیاز منطقه شکل گرفته است. باید به این نبوغی که در این منطقه برای ساخت ماشین آلات شکل گرفته است افتخار کنیم.

شما به عنوان مسئول صنف برای حفظ و تقویت این نبوغ چه تلاشی کرده‌اید؟

سال گذشته محصول کم بود و در خواست برای خیلی از ادوات و ماشین آلات کاهش پیدا کرد. از طریق اتحادیه با نماینده شهر جناب انارکی و مهندس محمدی رئیس اداره صنعت و معدن و آقای احمدی رئیس شرکت مس طرح مشترکی را شروع کردیم و هدف از این طرح بومی سازی ساخت قطعات مورد نیاز شرکت مس است. با این که اولین بار بود که این طرح در شهرستان رفسنجان انجام می شد، طرح موفقی از آب درآمد. درحالی که مهندسین شرکت مس از ابتدا اصلاً امیدوار نبودند که اتحادیه ماشین آلات و ادوات کشاورزی رفسنجان چنین توانی داشته باشد. اما مسئله مسافت تا اصفهان، هزینه بسیاری از قطعات برای شرکت مس را بالا برده بود. در نتیجه توجه شرکت مس به تولید در داخل رفسنجان جلب شد و خوشبختانه اتحادیه ما تا امروز از این مسئله سربلند بیرون آمده است.

چه مشکلاتی بر سر راه خلاقیت و تولید با کیفیت وجود دارد؟

حضرت آقا، امسال را سال رونق ملی نام گذاری کرده‌اند و جالب است که دشمنان از توانایی نظامی با در ساخت تجهیزات انگشت به دهان هستند. من تجربه ۳۰ ماه خدمت در گردان ویژه غواصان را داشته‌ام، در گردهمایی گردان ٤١٠ که همان بچه های گردان ویژه غواصان هستند به خاطر سابقه کاری و شناختی که از من داشتند، خواستند که روی کامیون۹۱۱ دولول ضدهوایی نصب کنم که ۳٦۰ درجه بچرخد و حداقل ۱۰ مترش را بزند. این کار قبلاً به این شکل انجام نشده بود. دولولی که باید عقب کامیون ۹۱۱ بسته می‌شد در همین مغازه دم همین کارگاه سوارش کردم. الان این سیستم در منطقه میرجاوه داره خودنمایی می‌کند. هرچند که کسی از من نامی نمی برد.

به نظر من چیزی که باعث می شود ما در قدرت نظامی پیشرفت کنیم ولی در صنعت پیشرفت نکنیم نظم است. در کشور بی نظمی حاکم است. مثال آن همین تعطیلات بی مورد در کشور است. هر روز تعطیلی، سه روزِ کاری ما را می‌گیرد و باعث افزایش قیمت تولید می شود در نتیجه محصول نهایی مقرون به صرفه و قابل رقابت نیست. درکشور ما روزانه هشت ساعت کار ثبت می شود ولی شاید دو ساعت آن واقعا مفید باشد. همیشه به مسئولین پیشنهاد می‌دهم به جای این وضعیت تعطیلات را کم کنید،۱۵ درصد حقوق را افزایش دهید تا در تولید اثرش را ببینید.

مخاطبان صنف شما مانند کشاورزان در این وضعیت چه نقشی دارند؟

یکی از خوبی های تولید در بنگاه های کوچک محلی این است که وقتی دستگاه جواب نداد به سرعت تولید کننده بازخورد می گیرد. امتیاز استفاده از تولیدات محلی مثل دستگاهی که من اختراع کردم این است که ضمانت آن واقعی است و تولید کننده در دسترس کشاورزان منطقه است. مثلاً کشاورزان مراجعه می‌کنند که این دستگاه جواب نداد یا ما از تجربیات یکدیگر استفاده می‌کنیم و وقتی می خواهیم یک



کالایی را به بهره‌برداری برسانیم دور هم جمع می‌شویم، همفکری می کنیم. ارتباط تنگاتنگی بین اتحادیه، جهاد کشاورزی و انجمن پسته به طور بلقوه برقرار است.

دغدغه شما به عنوان یک تولید کننده نسبت به کپی اختراعات چیست؟

در دنیا اگر یک دکمه پیراهن را ثبت اختراع دهید، هیچ کس بدون اجازه شما نمی‌تواند آن را کپی کند. در کشور ما به این مسئله هیچ بهایی داده نمی شود. به عنوان یک تولید کننده با بیشترین صرف هزینه و وقت دستگاهی را می‌سازید. ولی در سوی دیگر یک دلال با سرمایه بالا با جوشکار شریک می شود تا دستگاه را کپی کرده و به جای آهن از استیل معمولی استفاده می‌کند.

با این که این دستگاه را ثبت اختراع کردیم ولی آمدند دستگاه را کپی کردند آهن زده اند. مدتی پیش برای کسی در رفسنجان دستگاه زدیم، دیدیم رفت خبری نشد. بعد از مدتی زنگ زد که فلانی دستگاه اولی که زدی خیلی خوب بود این بعدی اصلا مثل قبلی نشد. من هم درجواب گفتم که مهندس من اصلاً دستگاه بعدی برای شما نصب نکردم. این موارد برای من که یک دستگاه ثبت کرده ام و در پی ثبت دومی هستم واقعاً دلسرد کننده است.

چه چیزی در طی این فرایند به شما انگیزه می دهد؟

دستگاهی که ساختم برای یکنواخت کردن سموم و مواد شیمیایی به کار می رود. سیستم به گونه طراحی شده که برای هرکس که نصب می کنیم با اطلاعات کامل مصرف کننده، مکان و زمانش ثبت می شود و پیگیر کیفیت دستگاه هستیم. در نتیجه تماس می گیریم و می پرسیم چه ایرادی دیده اید. وقتی در پاسخ مصرف کننده، از کیفیت راضی است و از مقرون به صرفه بودن آن ابزار خوشحالی می‌کند، از هر درآمدی برای من لذت بخش تر و دلگرم کننده‌تر است، شور و حالی پیدا می‌کنم که دستگاه دیگری بسازم. خیلی ها از این که این دستگاه تا ۵۰ درصد مصرف سم را کاهش داده است استقبال می کنند و این برای من که تولیدم در گرو کاهش هزینه های کشاورز و محصول خوب اوست، تشویق محسوب می‌شود.

من به شخصه با فرایند تولید ادوات کشاورزی آشنا نیستم. این فرایند به چه شکل است؟

سازنده کارش تیمی است. وقتی یک دستگاهی را برای اولین بار اختراع کنی، ۵ تا ۱۰ کارگر می گذاری پشت دستگاه می گویی شما که متخصص این قسمت هستی، این قسمت را بساز و گروه دیگری را برای ساخت قسمت دیگری می گذاری. درنتیجه یک کار تیمی انجام می شود. وقتی یک کار گروهی می شود، تعداد تولید کننده هم بالا می رود. کارگر امروز، تولید کننده فرداست. هر کارگاهی اگر ۵ کارگر داشته باشد یعنی فردا ۵ کارگاه خواهید داشت. وقتی کارگر کار کند، هزینه‌ی زندگی‌اش را می دهد و باعث رونق همین شهر می شود. درحالی که با مالیات های سنگین به کارگاه های کوچک بستن، تولید را از رمق می اندازند و جا را برای دلالانی که هیچ هزینه‌ای صرف کارگاه و اختراع نمی‌کنند، باز می‌کنند. اگر مسئولین حمایت می کردند ما در همین شهرستان پیشرفت خوبی را می دیدیم.

به نظر شما وضعیت تولید کارگاه های صنعتی کوچک در همه ایران به یک شکل است؟

تجربه من می گوید دقیقاً این طور نیست. مثلاً سیرجان را در نظر بگیرید. شاید ده سال پیش به این شکل نبود ولی امروز زمین در اختیار کارگاه های کوچک می‌گذارند، به آنها وام می دهند. وقتی حمایت های کوچک هم دریافت کنی و بدانی وامی می گیری که می توانی پس بدهی، حتماً به دنبال کاری می روی. چون انسانی ذوقی دارد که به دنبال تعالی است.

یا در مثال دیگری در رفسنجان ۲۰۰هکتار آرامستان احداث کرده اند اما حاضر نیستند با اختصاص ۲۰ هکتار زمین از کارگاه های صنعتی کوچک حمایت کنند و به آنها بها دهند. همیشه شعار حمایت از صنعت می دهند ولی با فشار مالیات، عوارض شهری و بیمه کارگاه صنعتی کوچک را نابود می کنند در حالی که هر صنعت بزرگی بر دوش کارگاه‌های صنعتی کوچک بنا می شود.

سیستم ما نمی‌خواهد حمایتگر باشد، می خواهد مالیات بگیر باشد. مالیات ارزش افزوده بزرگترین سد راه صنعت است. هر کالایی که ما بخواهیم مواد اولیه آن را بخریم از گمرک که خارج می‌شود، ارزش افزوده به آن تعلق می‌گیرد. از فروشنده که خریداری شود؛ یک مالیات دیگر روی آن اضافه می‌شود. وقتی به دست ما می رسد ۲۷ درصد مالیات ارزش افزوده روی آن است. وقتی هم آن را می فروشم تا ۴۰ درصد این مالیات افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه اساساً با آن طرف مرز قابل رقابت نیست. مخصوصاً که با کاهش تولید، تجربه پایین می آید در نتیجه کیفیت محصولات هم از دست می رود.